ارتباط دیدگاه شهید مطهری با همت و کار مضاعف

زهرا رحمانی عبدالصمد ـ فرهنگی

مقدمه

کار در قرآن

اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده، از بیکاری، تنبلی و سربار دیگران شدن به شدت منع نموده است.

قرآن کریم می فرماید: به تحقیق شما را در زمین مسلط کردیم و برای شما در آن وسایل و مایه های زندگی قرار دادیم (تا شما به کوشش خود از زمین و آنچه در آن است، استفاده برید و شکر گزارید)، ولی شما اندک شکر می کنید.

پس چون نماز به پایان رسید، در زمین پراکنده شوید و از فضل و احسان خدا یاری جویید و خداوند از رحمت خود، برای شما شب و روز را قرار داد تا در شب بیارامید و در روز از فضل او بجویید؛ شاید شکرگزار باشید.

کار در حدیث

ـ پیامبر اعظم(ص) افراد تنبل و بیکار را که تن به کار نمی دهند و می خواهند از دسترنج دیگران استفاده کنند، مورد نکوهش و سرزنش شدید قرار داده، می فرمایند: از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را به گردن دیگران بیندازد. ملعون است، معلون کسی که اعضای خانواده اش را بر اثر ندادن نفقه تباه کند.

ـ امام باقر(ع) یارانش را به کار و کسب تشویق می کرد، از شغل آنها می پرسید و اگر بیکار بودند، سفارش می کرد به کاری مشغول شوند و می فرمودند: من کسی را که کار و کاسبی را رها کرده و به پشت بخوابد و بگوید خدایا، روزی ام ده، دشمن دارم.

ایشان به یکی از یارانش که بیکار بوده فرمودند: مغازه ای بگیر و جلویش را جاروب کن و آب بپاش و بساطی در آن بگستر. چون چنین کنی، وظیفه ات را انجام داده ای.

آن گرامی تنها سفارش به کار نمی کرد، بلکه خود نیز به باغ و مزرعه ی خویش می رفت و حتی در هوای گرم تابستان، عرق ریزان کار می کرد.

ـ امام صادق(ع) فرموده اند: کسی که برای تامین معاش خانواده اش تلاش می کند، همانند مجاهد در راه خداست.

استاد شهید مطهری از دانشمندان اسلامی است که ویژگی های بارز علمی او باعث شده است تا پس از سال ها از شهادت آن استاد فرزانه، هنوز درباره ی اندیشه های مکتوب و شفاهی اش بحث ها صورت گیرد و همواره به عنوان اسلام شناسی آگاه، عالمی زمان شناس، دانشمندی دردآشنا و فیلسوفی توانا مورد علاقه ی فرهیختگان و جوانان فکور باشد.

استاد مطهری را به عنوان یک روحانی و اسلام شناس برجسته، به عنوان یک فیلسوف و متفکر ژرف اندیش، به عنوان یک استاد و نویسنده ی نمونه و به عنوان های دیگری از این قبیل شناخته ایم؛ اما شناخت او به عنوان یک مصلح اجتماعی، نیاز مغفولی است که کمتر در مورد آن بحث شده است.

استاد مطهری شخصیتی بود که پاسخ گویی به شبهات زمانه و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی و عملی را مورد همت خویش ساخته بود تا آنجا که در قبال این مجاهدت عظیم علمی جان خویش را فدای آرمان خود کرد.

شهید مطهری یک کتاب قابل مطالعه برای جامعه ی امروز است، برای تمام نسل جوان از همه ی سطوح، برای حوزویان و دانشگاهیان و پژوهشگران و کسانی که در عرصه ی تبیین دین قدم برمی دارند، شناخت روش و ویژگی های نهفته در روش او لازم است.

چند ویژگی بارز در شهید مطهری دیده می شود، اول اینکه سعی می کرد اندیشه های دینی را در خلاء پیگیری و به صورت انتزاعی ارایه نکند، بلکه به کاربرد اندیشه و تجلی آن در جامعه عنایت داشت و آن بخش هایی از اندیشه را مطرح می کرد که دارای یک کارکرد در جامعه باشد. این مساله نشات گرفته از تفکر وی در مورد اسلام پاسخگو بود، به عنوان نمونه وقتی به مباحث کلامی نگاه می کنیم عمده بحث ها به صورت کلی و غیرمعطوف به زمان است؛ اما ذهن کارکردگرای استاد حتی این مباحث کلامی را با توجه به تجلی آن در روزگار و نوع تجلی آن ارایه می کند و در موضوعاتی مانند صفات الهی و خداشناسی به نمود بیرونی آن در جامعه توجه دارد.

گفتمان کلامی استاد از دیگران به این جهت که دارای جنبه ی معاشرت با زبان است و کلام را به صحنه ی جامعه می آورد، از مباحث کلامی دیگران متمایز و برتر است و وی یک تحول آفرینی در این زمینه داشت.

دومین ویژگی این استاد شهید، قدرت تشخیص جایگاه اندیشه بود که با تمام توان بین اندیشه هایی که دارای وضعیت زیرساختی و وضعیت روبنایی بود، تفکیک قایل می شد، در حالی که این مساله در افکار بسیاری از متفکران کمتر دیده و اندیشه های آنان به صورت مخلوط ارایه می شود از این رو پژوهشگران باید به این نکته توجه بیشتری داشته باشند.

سومین مشخصه ی استاد مطهری این بود که اگر اندیشه ای به صورت درست و نادرست و به صورت حق و باطل ارایه می شد، توان تفکیک بین سره و ناسره را داشت و آن را به درستی تحلیل می کرد و بخش های درست را ارایه می داد.

چهارمین نکته ای که می توان درباره ی شهیدمطهری بیان داشت، اکتفا نکردن به بیان اندیشه بود، بلکه وی به سراغ اندیشه ها و مکاتب روز می رفت و سعی می کرد میان اندیشه های اسلامی و دیگر اندیشه های مطرح تطبیق کند تا اندیشه ی اسلامی با تمام زوایا و برتری ها جلوه گر شود؛ البته فضای مقایسه ای استاد مطهری دارای یک امتیاز خاص است، چراکه وی دقیقا به نقطه ی برخورد و محل تضارب آرا اشاره می کرد. ذهن پیگیر و هدفمند وی با سیر در اندیشه های موازی و رفت و برگشت های ذهنی، به محل تلاقی افکار می رسید و آن را مطرح می کرد.

نکته ی پنجم که باید به آن اشاره کنم، تفکر شهیدمطهری در مورد جامعیت و شاملیت اسلام است که نیازی به وام گرفتن از مکاتب دیگر ندارد و دین اسلام مجموعه ای به هم پیوسته و منسجم است که پاره ای از آن پاره ای دیگر را تکمیل می کند، استاد مطهری در بحث های خود از این خواستگاه بحث می کرد.

شهید مطهری برخوردار از ذهن دارای دقت در جامعه و روان آدمی بود و به نگاه ها و نکات روان شناختی در عرصه ی اجتماع توجه داشت.

در بیان معضلات اجتماعی، وی چند ویژگی داشت، اول اینکه یک معضل را جدای از سایر معضلات جامعه مطرح نمی کرد و معضلات را به صورت جزیره ای پراکنده و جدا از هم نمی دید بلکه با نگاه جامعه شناختی به ربط و پیوند میان معضلات توجه داشت.

دوم اینکه به بیان معضل و مشکل اکتفا نمی کرد، بلکه سریع به بیان راه حل برخواسته از مکتب ناب الهی می پرداخت، و در همین راستا اگر به معضلی اشاره می کرد چند برابر آن پاسخ می داد.

نکته ی دیگری که باید اشاره کنم این است که هیچ گاه معضل را در قالب یاس آور ارایه نمی کرد، بلکه با امید و شوق به اصلاح آن و با نگاه سهولت ساز و افق آینده به راه حل دادن برای آن مشکل فکری یا معضل اجتماعی می پرداخت، از این رو با مطالعه ی کتاب های ایشان ناامیدی به خواننده منتقل نمی شود؛ خلاصه اینکه ادبیات او ادبیات ناامیدکننده نیست.

ویژگی دیگر استاد مطهری در مقام یک مصلح اجتماعی، توجه به جایگاه معضلات بود تا مشکل درجه ی سه و چهار جای معضل درجه ی یک را نگیرد، یعنی در طبقه بندی معضلات، اول به مشکلاتی که جنبه ی علمی داشتند می پرداخت که این ناشی از ذهن فلسفی و دقت علت یابی استاد مطهری بود.

نقش همت و کار در زندگی استاد مطهری چگونه بود؟

از اخلاق استاد مطهری این بوده است که فوت فرصت نمی کرده و از اتلاف وقت بر حذر بوده، چه هدر دادن عمدی و ارادی و چه از نوع بی نظمی، چون بعضی وقت ها انسان زیاد کار می کند، اما چون در چارچوب منظمی عمل نمی کند، بازدهی او پایین است. به عنوان نمونه به مطالعاتی می پردازد که کمتر برای خود یا جامعه اش فایده دارد.

استاد مطهری به هیچ وجه زمان را از دست نمی داد و همت و تلاش مضاعف و انبوه شده برای کار علمی داشت. هم از نظر کمی و هم کیفی کارهای ایشان بسیار زیاد است.

همت بلند از جمله ابعاد شخصیتی شهید مطهری بود. شهید مطهری، مصداق کم نظیر «همت مضاعف و کار مضاعف» است.

کمتر هنرمندی در معلمی و کمتر معلمی در هنرمندی مانند شهید مطهری داریم در حوزه ی دیانت، عالمی به گرانقدری و گرانباری شهید مطهری از این فضل و کمال و معرفت، به تعداد زیادی نداشته و نداریم. شهید مطهری، شخصیتی جامع، پرکار و سخت کوش و سرشار از دانایی و دانش بود.

گستره ی کارهای علمی شهید مطهری محدود نیست و جمع شدن این مجموعه ی دانش در یک فرد، کمتر اتفاق می افتد. شهید مطهری نه تنها یک دانشمند بلکه یک اندیشمند بزرگ و صاحب سبک بود. شهید مطهری یک فرد موفق و قدرتمند در سلوک معنوی، عرفان عملی، تهذیب نفس و برخورداری و بهره مندی از معنویت بود.

شهیدمطهری در اوج دانایی و تفکر و دانش، سرشار از معنویت و خداپرستی و عارفی عظیم الشان بود. شهید مطهری نه تنها یک سالک مجذوب بلکه یک مجذوب سالک و اصل بود.

دستیابی به ابعاد گوناگون شخصیت جامع الابعاد شهیدمطهری آسان نیست.

اگر می خواهیم از استاد شهیدمطهری الگوگیری کنیم، باید بر روی پرکار بودن او بسیار تامل کنیم و می توان گفت که شهید مطهری الگوی همت و کار مضاعف بود. شهید مطهری اینگونه بود که علوم اسلامی را درک کرده و با تجزیه و تحلیل های درون عقلی خود، کتاب های مختلفی در زمینه های منطق، اصول، فقه و ... به جامعه ارایه کرد.

برای این که هم استادان و هم شاگردان در حوزه ی علم بدرخشند نیازمند الگو می باشند و آن الگو می تواند شهیدمطهری باشد.

این شهید والامقام به معنای واقعی کلمه عالم، معلم هدایت گر و راهنما بود و از خصوصیات اخلاقی بارزی برخوردار بود و اگر طلاب بخواهند رشد کنند، یکی از بهترین راه ها می تواند بهره گیری از شیوه ی عملکرد شهیدمطهری باشد.

با خواب زیاد و خوش خیالی ره به جایی نمی بریم و باید با نگاه به شهید مطهری از لحظه لحظه ی زندگی این شهید بزرگ درس بگیریم و همت او در راه اهدافش را سرلوحه ی کار خود قرار دهیم.

مطهری مشکل یاب و مشکل ستیز بود. این شهید بزرگوار همواره تاکید می کرد دینی را که در جامعه کارایی داشته باشد باید به جامعه عرضه کرد.

مطهری عالمی بود که سطحی سخن نمی گفت و همواره ریشه ای می اندیشید.

همت، نشانه ی بزرگی و نشاط

شهیدمطهری با ذکر این جمله ی حضرت امیرالمومنین(ع) که فرموده اند: قدرالرجل علی قدر همته، یعنی قدر و اندازه ی هر کس همان قدر و اندازه ی همتش است، اهمیت و استحکام این سخن را اینگونه می رساند که «جمله ی خیلی عجیب و پرمعنایی است.»

با چنین نگاهی ایشان همت را نشانه ی چند ویژگی مثبت به شرح ذیل برمی شمارد:

ـ همت نشانه ی بزرگی روح: وی معتقد است مسلما همت بزرگ نشانه ی روح بزرگ است و همت کوچک نشانه ی روح کوچک است.

ـ همت نشانه ی سلامت و نشاط روان: از زاویه ای دیگر، استاد وجود همت و عمل در راستای آن را نشان هایی از روح و روان سالم دانسته اند.

ـ همت نشان قدرشناسی از خویش: شهیدمطهری همت را به میزان قدرشناسی از خویش ارتباط می دهد که این نگاه، ادامه ی همان دیدگاه حضرت امیر(ع) به همت است. وی در توضیح این نظر خویش می گوید: روح بزرگ یک آرزوی بزرگ است، یک اندیشه ی بزرگ وسیع است، یک خواهش و اراده ی بزرگ، یک نعمت بزرگ است ... روح بزرگ به کمی و کوچکی و حقارت تن نمی دهد، به کم از قدر خود راضی نمی شود.

آثار همت و اراده

شهیدمطهری با همطراز شمردن همت با نبوغ و حتی عشق و ایمان، برخورداری از آن را دارای اثرات و نتایج ویژه ای می داند که امکان فائق آمدن بر کمبودها و نواقص و پذیرش سختی و زحمت را برای انسان و جامعه فراهم می آورد. استاد بر دو اثر ویژه ی کار و تلاش تاکید کرده اند:

ـ تولید استقامت و پشتکار برای کارهای بزرگ: استاد انجام کارهای بزرگ را بدون داشتن همت متناسب با آن شدنی نمی داند و معتقد است با همت برخی کارهای به ظاهر نشدنی هم عملی می شود.

ـ جبران کمبودها و معایب: غالب اوقات کمبود یا نبود اراده و همت موجب می شود کارها متوقف و به بهانه ی کمبودها و مشکلات، این ضعف توجیه شود.

موانع و آفات همت و اراده

همت و اراده همچون سایر پدیده ها و خصایل انسانی دارای موانع بازدارنده، کاهش دهنده و آفاتی است که از نظر استاد شهید دور نمانده است. مهم ترین آفت ها عبارتند از:

ـ فضای تبعیض و بی عدالتی: از دیدگاه شهید مطهری نباید هیچ تبعیض و بی عدالتی در جامعه را برتافت بلکه باید اینطور باشد که روستازادگان بااستعداد بتوانند دانشجو بشوند و بعد از دانشمندی به مقام وزیری برسند و همیشه باید اینطور باشد که پسران ناقص عقل عقب بمانند و سقوط کنند. در این صورت است که صاحب همت انگیزه ی بروز آن را پیدا و برای نیل به کسب بزرگی تلاش خواهد کرد.

ـ عدم تشخیص بزرگی و کوچکی: گاهی فرد یا جامعه در تشخیص و مقیاس اندازه گیری کارها، اهداف و آرمان ها دچار مشکل می شود و لذا همت و تلاش خود را به هدر داده و یا از وصول به اهداف و آرمان های بلند و بزرگ باز می ماند. استاد چنین طرز فکر و نگاهی را که صرفا به ظاهر امور نگریسته و نتیجه ی مهم و اساسی را نادیده می گیرد، یک بیماری و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالیه ی اسلامی برمی شمارد.

ـ غفلت از اهتمام به تمام ابعاد سعادت: از نگاه شهید مطهری انسان دارای ابعاد روحی و مادی است که باید به طور مناسب تامین شده و برای تامین سعادت دنیا و آخرت به کارگیری شود. همت و اراده باید صرف تامین همه ی شرایط سعادت شود و ناچار باید به نسبت معین میان آنها تقسیم شود و اگر جاذبه ی یکی از آنها همت و اراده را به سوی خود بکشاند و سایر شرایط به زمین بماند، بدیهی است که بدبختی رو خواهد آورد.

نتیجه گیری

مروری بر سیره و اندیشه ی استاد شهید مرتضی مطهری و جستجوی موضوع این نوشته یعنی همت و کار، گویای این است که وی برای همت و کار جایگاه و اهمیت بالایی قایل بود و با نگاهی دینی به موضوع هر دو را سرمایه ی تامین سعادت و نشانگر وجود سلامت روان، بزرگی روح، آزادگی و شرافت دانسته و خود نیز عامل به آن در زندگی عملی بوده است و در این نگاه از علم و تجربه ی تاریخی و اجتماعی نیز برخوردار بوده است.

ـ متفکر شهید آیت ا... مرتضی مطهری:
ـ بعد از دیانت، مدرسه ای برای تربیت انسان، بهتر از مدرسه ی کار ساخته نشده است.
ـ نتیجه ی کار تنها خلاصی از فقر و گرسنگی نیست؛ بلکه چندین چیز دیگر هم به دنبال دارد؛ از آن جمله که کار بر عزت و شخصیت انسان می افزاید.
ـ متفکر شهید آیت ا... مرتضی مطهری:
ـ همت بزرگ، نشانه ی روح بزرگ است و همت کوچک نشانه ی روح کوچک است.
ـ روح بزرگ یک آرزوی بزرگ است، یک اندیشه ی بزرگ و وسیع است، یک خواهش و اراده ی بزرگ، یک نعمت بزرگ است.

منابع

ـ خرگزاری رسا
ـ روزنامه ی جمهوری اسلامی
ـ اداره ی فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ۱۳۸۰، ص ۲۱ و ص ۳۰
ـ مجموعه ی آثار، جلد ۳۲، جلد ۲۵، ص ۴۵۷، جلد ۲، ص ۴۵۷، جلد ۲، ص ۴۲۲، جلد ۲۲، ص ۷۹۲، جلد ۲، ص ۱۱۳، جلد ۱۵، ص ۱۰۸، جلد ۱، ص ۴۱۳، جلد ۲۲، ص ۷۹۹، جلد ۱۸، ص ۳۲۹، جلد ۲۲، ص ۱۵۰، جلد ۱۸، ص ۳۲۹، جلد ۲۲/ف ص ۱۵۰، جلد ۱۷، ص ۶۶۰، جلد ۲، ص ۲۶۴، جلد ۱۴، ص ۴۳۶، جلد ۲۲، ص ۷۸۸
ـ سوره ی اعراف، آیه ی ۹
ـ سوره ی جمعه، آیه ی ۱۰
ـ ـ سوره ی قصص، آیه ی ۷۳
ـ تحف العقول، ص ۳۷
ـ الکافی، جلد ۴، ص ۱۲ و ج ۵ ص ۸۸
ـ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷
ـ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۱۸
ـ سایت های رسالت و تبیان و آفتاب

فلسفه و حکمت روزه

مریم بیگم قافله باشی
کارشناس ارشد تاریخ

بخش دوم

آنگاه امام (ع) خصوصیات صائم را این چنین توصیف می فرماید) و هر آینه روزه دار باید (به پیشگاه خداوند) بنده ای خاشع و ذلیل و دارای استکانت و وقار باشد (و خود و عمل خویش را) ماجور و مثاب دانسته (و بداند که اعمال و زحماتش) به حساب می آید (و نادیده گرفته نمی شود) و در همه حال به آنچه که انجام می دهد از عبادات عارف باشد و بر آنچه که از گرسنگی و تشنگی به او می رسد صبر کند و در آن هنگام با امساک از شهوات (و پیروی نکردن از نفس اماره بسوء) مستوجب ثواب فراوانی می شود (و خداوند اجر و ثواب عبادت روزه داریش را به او مرحمت خواهد فرمود) و این اوصاف حمیده (که برای صائم ذکر شد) واعظ خوبی برای روزه داران در دنیا خواهد شد (که اثرات وضعی این اوصاف کاملا در چهره و اعمال و رفتار آنان مشهود خواهد گشت) و راغب است بر روزه داران بر اداء آنچه که مکلف به آنند و راهنمای خوبی برای آنان است در عالم عقبی، و آنان باید بشناسند شدت و اهمیت مشکلات فقرا و بیچارگان را که تا رحمت آورند بر فقرا و مساکین در دنیا سپس ادا نمایند حقوق آنان را که خداوند در اموالشان مقرر فرموده است. (یعنی این طور نباشد که خود خوب بخورند و بپوشند و دیگران گرسنه باشند).

شاعر عرب «حاتم بن عبدالله طائی» می گوید: و حسبک داء ان تبیت ببطنه و حولک اکباد تحن الی القدا!

یعنی: این درد برای تو بس است که شب با شکم پر بخوابی و در گردت جگرها باشد که قدح پوستی را آرزو کنند و برای آنان فراهم نشود چه جای آنکه طعام داشته باشند.

امام رضا (ع) در یک پرسش دیگر از فلسفه روزه چنین می فرمایند: «علة الصوم لعرفان مس الجوع و العطش لیکون العبد ذلیلا مستکینا ماجورا محتسبا صابرا فیکون ذلک دلیلا علی شدائد الاخره، علت روزه از برای فهمیدن الم و درد گرسنگی و تشنگی است، تا بنده ذلیل، متضرع، ماجور و صابر باشد و بفهمد شدایدآخرت را، مع ما فیه من الانکسار له عن الشهوات و اعظاله فی العاجل دلیلا علی الاجل لیعلم مبلغ ذلک من اهل الفقر و المسکنه فی الدنیا و الاخره» علاوه بر این که در روزه انکسار شهوات و موعظه هست از برای امر آخرت تا بداند حال اهل فقر و فاقه را در دنیا و عقبی. بلی این است قسمتی از فلسفه روزه از بیان حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء.

بلی روزه از افضل طاعات است، زیرا که روزه مشتمل بر انکسار شهوات بهیمیه است که شریعت آسمانی و احکام الهی نیامده مگر برای تعدیل شهوات و توقیف و مهار آنکه در حد اعتدال انجام گرفته و برای تزکیه و طهارت نفس و تصفیه آن از اخلاقیات رذیله، زیرا مقصود از صوم مجرد امساک از اکل و شرب و مباشرت با نسوان نیست، بلکه غرض نهایی آن کف نفس و نگهداری آن از شهوترانی های حیوانی است، چنان که رسول (ص) فرمودند: الصوم جنه فاذا صام احدکم فلا یرفث و لایجهل و ان امره جادله او شاتمه فلیقل انی صائم: که روزه سپری است از برای شخص، زیرا یکی از شما اگر روزه گرفت سخن زشت نگوید و کارهای بیهوده نکند و اگر کسی با وی مجادله کند یا او را شماتت نماید، او بگوید من روزه هستم، مراد از این حدیث شریف نبوی (ص) این است که روزه وقایه ای است که نگه می دارد آدمی را از انحرافات و لغزش ها که به واسطه ی آن از دشمنانی بزرگ چون شیطان نفس، دشمن درونی، خلاصی می جوید پس نفس را کنترل می نماید از شهوات نابجا و شیطان را از خود دور می نماید.

مجرای نفوذ شیطان را با روزه ضیق نمایید

بر این مبنا رسول (ص) فرمودند: «ان الشیطان لیجری من ابن آدم مجری الدم فضیقوا مجاریه بالجوع» که شیطان جریان می یابد و نفوذ می کند در فرزندان آدم مانند جریان خون در بدن پس مجاری شیطان را در وجود خود به واسطه ی گرسنگی یعنی روزه تنگ نمایید و الحق که روزه بدون اثر چه فایده و ثمری دارد؟ آری فایده و اثری ندارد که آدمی غذای ناهار خویش را به افطار تاخیر اندازد و از امساک و اجتناب از یک سری مبطلات روزه، انواع تهمت ها، دروغ ها، غیبت ها، شهوترانی ها و هتک حرمت خلق الله و حفظ نکردن ناموس خویش از نامحرمان و سوء تربیت فرزندان و سرعت غضب به حادثه کوچکی و ایجاد ضرب و شتم و صدها گناه دیگر مرتکب شود و بگوید من روزه هستم خیر؟ این نوع روزه اثری و فایده ای ندارد، باید روزه قدرت ساختن و اصلاح نفس داشته باشد و روزه این قدرت را دارد، لکن این مایسم ارزش و اهمیت او را تشخیص ندادیم و از این نوع روزه های بی اثر ثمری جز گرسنگی و تحمل تشنگی عاید ما نمی شود و چه فایده ای است از برای روزه دار که فریضه ای ادا کند و کبیره ای مرتکب گردد و با خیانت بر بندگان خدا در مال و عرض ایشان تجاوز نماید روزه رابطه ی مستقیم با اخلاص دارد.

خلاصه کنم و این بخش را «فلسفه ی روزه و حکمت مشروعیت» به سخن مولای متقیان (ع) مزین نمایم که امام (ع) در آنجا که فلسفه پاره ای از احکام را تشریح می فرماید: «و الصیام ابتلا لاخلاص الخلق».

خداوند روزه را برای آزمایش اخلاص مردم مقرر و فرض فرموده است و کسی که به پیشگاه حضرت حق اخلاص ورزد، تمامی اوصافی که در فلسفه ی روزه بیان شده است شامل حالش می شود و روزه کاملا با اخلاص روزه دار در رابطه است.

منابع:

۱ـ ارکان الاسلام
۲ـ نهج البلاغه فیض، ص ۷۹۸
۳ـ از حکمت ۲۴۴ نهج البلاغه فیض الاسلام.
۴ـ نهج البلاغه، چاپ صبحی صالح، ص ۱۶۳.
۵ـ مجمع البحرین، ماده جوع.
۶ـ وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳ و من لا یحضره الفقیه، ص ۷۳ ج ۲.
۷ـ خصال شیخ صدوق، ص ۳۸۶.
۸ـ وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۴.
۹ـ حاتم به عبدالله طائی.
۱۰ـ علل الشرایع صدوق علیه الرحمه.
۱۱ـ از مجموعه ای از سخنان پیشوایان معصوم (ع) استخراج شده است.
۱۲ـ نهج البلاغه، ص ۱۱۹۷.